

## واکاوی مفهوم پوشش و حجاب از منظر نوجوانان کم حجاب

### شهر کاشان

محسن نیازی\*، سیدحسین سیادتیان\*\*، مهدیه کاظمیان\*\*\*

#### چکیده

دوره نوجوانی به عنوان یکی از دوره‌های مهم زندگی انسان شناخته می‌شود و شور و اشتیاق نوجوانی به همراه تحولات هویتی و اجتماعی، این دوران را به یک دوره خاص و منحصر به فرد تبدیل می‌سازد. از آنجا که دختران نوجوان در این دوره تلاش دارند تا افکار و رفتار همسو با سایر همسالان خود داشته باشند؛ ممکن است در مقوله پوشش و حجاب یا پذیرش نوع خاصی از حجاب مورد تردید واقع شوند. بر این اساس هدف پژوهش حاضر واکاوی کیفی مفهوم پوشش و حجاب از منظر نوجوانان کم حجاب شهر کاشان است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه نوجوانان دختر کم حجاب در یکی از مراکز آموزش زبان‌های خارجی شهر کاشان است که مشارکت‌کنندگان در پژوهش به شیوه هدفمند از میان آنها انتخاب شدند و بعد از مصاحبه با ۱۱ نفر داده‌های حاصل از پژوهش به اشباع نظری رسید. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری گردید و در نهایت با روش ۷ مرحله‌ای کلایزی تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاکی از پژوهش با ۴ مضمون اصلی و ۱۲ مضمون فرعی شامل: زمینه‌های اجتماعی (هنجارهای اجتماعی، انطباق با عرف جامعه و مد، بستر محیط و جغرافیای محل زندگی، قضاوت اجتماعی، امنیت اجتماعی و دلالت دینی)، زمینه‌های فردی (احساس راحتی، اختیاری بودن پوشش، اصالت زیبایی)، زمینه‌های خانوادگی (الگوگیری و پیروی از خانواده، اقتناع و نرمش خانواده)، الگوهای رسانه‌ای (فضای مجازی) به دست آمد. با عنایت به نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین رسالت‌های مراکز فرهنگی و سیاست‌گذار در امر پوشش و حجاب تبیین هر چه بهتر این پدیده برای نسل نوجوان جامعه است.

#### واژگان کلیدی

نوجوانان، کم حجاب، حجاب، پوشش، تجربه‌ی زیسته.

\*. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (ni a zi m@ka sha nu.a c .i r)  
\*\*. دکتری روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان، ایران، (نویسنده‌ی مسئول)  
(h. si a da ti a n@gma i l.c om)  
\*\*\*. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (ma hdi e ka zni a n79@gma i l.c om)  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

موضوع پوشش و حجاب جایگاه ویژه‌ای در مباحث روز دنیا در زمینه جهانی شدن و پست‌مدرنیته دارد و تنش‌ها و مناقشات زیادی در مورد معنا و اهمیت این موضوع همواره در جوامع گذشته و معاصر وجود داشته است؛ آن چنان که این موضوع از مرزهای فرهنگی عبور کرده و بین شرق، غرب، مسلمانان و غیرمسلمانان نیز مطرح می‌شود (Pre mpe h,2022:31). نظریات پیرامون حجاب بیشتر بر نظریاتی با مباحث پسامدرنی نظیر نماد شناسی<sup>۱</sup>، مصرف‌گرایی، سبک<sup>۲</sup> و مسائل قدرت اشاره دارد (واتسون<sup>۳</sup>، ۱۳۸۲).

حجاب در لغت به معنای پرده و حائلی است که میان دو شی قرار می‌گیرد و مانع از دیده شدن شی مقابل می‌شود (ضرغامی، ۱۳۸۷: ۱۱۸). البته کاربرد لفظ حجاب برای پوشش زنان، امری جدید است و تا قبل از این عوام و فقها از واژه‌ی «ستر» به معنای پوشنده استفاده می‌کردند. پوشش و حجاب از بارزترین نشانه‌های فرهنگی و ملی هستند که می‌تواند تحت تأثیر سایر پدیده‌های فرهنگی قرار بگیرد. هر نوع تغییر و دگرگونی در ساختار اجتماعی و فرهنگی با تغییر در پوشش مردم مشخص می‌شود، به طوری که سلطه‌پذیری و استیلای فرهنگی از تغییر در پوشش مردم آغاز می‌شود (قربی، ۱۳۸۹: ۲۳۹).

پوشش و حجاب، نه تنها از منظر دین اسلام به عنوان یک نشانه دینی و از باورهای مورد قبول مذاهب اسلامی است، بلکه در علوم انسانی و به ویژه جامعه‌شناسی هم جایگاه بالایی داشته و پدیده‌ای کاملاً اجتماعی محسوب می‌شود که تأمین کننده‌ی امنیت اجتماعی<sup>۴</sup>، اخلاقی و بهداشت روانی در جامعه است (تاجبخش، ۱۴۰۰: ۲۱۰). مسئله حجاب و پوشش از نظر شناختی در حوزه مطالعات و مسائل زنان قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که زنان از جهت فکری و عملی با آن درگیر هستند و در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، خانوادگی و سیاسی قابل بررسی است. در واقع مهم‌ترین مسئله زنان مسئله فرهنگی است که به لحاظ ساختاری دارای اهمیت ویژه‌ای است، بنابراین همان‌طور که مسائل فرهنگی با آهنگ آرام و کند ساخته می‌شوند به همان صورت هم می‌توانند تغییر کنند (علاسوند، ۱۳۸۶: ۳۸).

---

1. I c ongra phy

2.Style

3. Wa tson

4.Soc i a l se c uri ty

لباس و ظاهر افراد، می‌تواند اطلاعات زیادی درباره سن، جنس، شخصیت، شغل و پایگاه اجتماعی و اقتصادی او در اختیار طرف مقابل قرار دهد (Ma nna n,2022: 201)؛ به عبارت دیگر، در واقع مهم‌ترین وسیله‌ی ارتباطی برای افراد، لباسی است که می‌پوشند. چون که لباس می‌تواند احساسات و هیجانات فرد را نشان دهد. لباس فرد هم بر رفتار خودش و هم بر رفتار اطرافیان تأثیر می‌گذارد. در واقع تمایز بین افراد را به ما نشان می‌دهد. لباس‌ها، تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی را نشان می‌دهند (حداد عادل، ۱۳۸۶: ۴۰). در واقع افراد بر اساس لباس‌هایی که می‌پوشند، همدیگر را دآوری می‌کنند و درباره‌ی معانی نهفته در انواع لباس‌ها توافق زیادی وجود دارد (Ba e hr,2019:541). به نوعی انتخاب لباس مانند انتخاب واژه‌ها با فرد است و افراد ناچارند که مسئولیت هر دو را در عرصه‌ی عمومی بپذیرند و عواقب ایجاد هر نوع سوء تفاهمی را قبول کنند (صدیقی، ۱۳۹۳: ۱۳).

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ شاهد تغییراتی در پوشش زنان بودیم که با کم‌رنگ شدن تنوع در پوشش، اکثر زنان چادر مشکی را که علاوه بر معنای سنتی و مذهبی دارای معنای ایدئولوژیک است را به عنوان پوشش اصلی خود انتخاب کردند (حقیقی، ۱۳۹۶: ۲). در نیمه اول دهه هفتاد با گسترش واردات کالاهای خارجی و نفوذ فرهنگ و ارزش‌های وارداتی، این موضوع گسترش یافت و سیاست‌های کنترلی و سخت‌گیرانه در مورد پوشش در جامعه رواج یافت، به طوری که پوشش اکثر زنان در سریال‌های تلویزیونی چادر بود و بین دختر جوان و زن پیر فرقی نمی‌کرد. در این دوره مان‌تو نماد روشنفکری و تحصیلات بود و صرفاً قشری خاص از زنان و دختران در سریال‌های تلویزیونی در پوشش مان‌تو ظاهر می‌شدند. به طوری که از اواسط دهه هفتاد پوشش‌های دختران در رسانه ملی به سمت مان‌تو همراه با ویژگی‌های خاصی مانند مان‌تو ساده بلند و غالباً تیره پیش می‌رفت. به دنبال آن ارزش‌های جامعه در حال تغییر و دگرگونی بود و مردم به دنبال دموکراسی به شیوه غربی بودند تا بتوانند آزادانه لباس بپوشند و آزادانه مصرف کنند و کسی مانع آنها نشود (ارمکی، ۱۳۹۱: ۸۰).

امروزه که نزدیک به پنج دهه از پیروزی انقلاب گذشته است، جامعه ایران شاهد تحولات سریع و محسوسی در نوع پوشش زنان است که گاه با معیارهای اولیه پوشش و حجاب در تناقض است؛ اما این تأثیرپذیری در سال‌های اخیر و در نوجوانان جامعه ایرانی بیشتر بوده است به طوری که منجر به چالش‌ها و تعارضاتی برای نوجوانان و خانواده‌هایشان شده است.

دوره نوجوانی به عنوان یکی از مهم‌ترین دوره‌های رشد انسان همراه با تحولات و بحران‌های متعددی است؛ که تشکیل هویت متناسب با فرهنگ خانواده و همسو با جامعه یکی از مهم‌ترین آنهاست (Si Ivers, 2022:260). در این دوران نوجوان که خود را برای آینده و پذیرش نقش‌های متعدد آماده می‌کند، نقطه تأیید افکار و رفتارهای خود را در همراهی با تحولات جامعه می‌بیند و سعی می‌کند با تحولات آن همراه شده و طرز فکر همسالان خود را برگزیند (Si sk, & Ge e, 2022:293).

در جامعه ایرانی تحول در نوع پوشش از جمله مسائلی است که اخیراً از سوی نوجوانان بیشتر تغییر پیدا کرده و از این رو پیش‌بینی می‌شود تا با بررسی عمیق و موشکافانه بتوان به درک بهتری از چرایی پذیرش این تغییرات پرداخت. با توجه به اینکه فرایند تحلیل و پذیرش نوع پوشش در نوجوانان پدیده‌ای ذهنی است، با انجام پژوهش به روش کیفی و مصاحبه می‌توان بیشتر به واکاوی و بررسی زمینه‌های این مسئله از سوی نوجوانان پرداخت.

در واقع تجربه‌ی زیسته یکی از سنت‌های پژوهش کیفی است که بر تجربه درونی افراد تأکید دارد. از طرف دیگر بررسی‌ها حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی حجاب از منظر نوجوانان کم حجاب انجام نشده است از این رو پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که مفهوم پوشش و حجاب از منظر نوجوانان کم حجاب چیست؟

## ۲- پیشینه‌ی پژوهش

یگانه و کشفی در پژوهشی به عنوان «نظام نشانه‌ها در پوشش» نشان دادند که اگر پوشش را یک عمل اجتماعی و معنادار فرض کنیم و صرفاً روشی برای محافظت از بدن نباشد، باید آن را در قالب‌های تحلیلی مربوط به معنای اجتماعی تفسیر کنیم. نگاه به پوشش به عنوان یک امر نمادین به ما کمک می‌کند تا زاویه جدید این مسئله پرحاشیه را بیابیم. توجه به قواعد در اعمال اجتماعی و ویژگی قراردادی نمادها در نشانه‌شناسی می‌تواند هم تغییرات تاریخی پوشش را تفسیر کند و هم تفاوت نگاه به پوشش و لباس را در گروه‌های مختلف و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون نشان دهد (یگانه و کشفی، ۱۳۸۶).

علوی و حجتی نیز در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان» نشان دادند که وضعیت دینی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است. متغیرهایی مانند اهمیت دادن به مدگرایی و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با فعالیت‌های اجتماعی در

بدحجابی دانشجویان تأثیر دارد و متغیرهای دیگری مانند خصوصیات دوستان، اختلاف بین والدین و وضعیت اعتقادی والدین در بدحجابی دانشجویان مؤثر است (علوی و حجتی، ۱۳۸۶).

خالد در پژوهشی با عنوان «حجاب به عنوان نوعی کنش» با روش کمی نشان داد که با افزایش ساعات مصرف از ماهواره با هدف تفریح و سرگرمی، کنش دینی نسبت به حجاب؛ کاهش و کنش ارزشی سکولار نسبت به آن افزایش می‌یابد. سبک سنتی رعایت حجاب به تدریج در جامعه ایران در حال کم‌رنگ شدن بوده و نوعی نگرش مدرن (به خصوص میان جوانان و تحصیل کرده‌ها) جای آن را می‌گیرد. میزان رعایت حجاب در حد نیمی از جمعیت، به نسبت پایین است و با توجه به کاهش انگیزه سنتی رعایت حجاب، شاید بتوان پیش‌بینی کرد که چنانچه برنامه‌های جدی در این زمینه پیش‌بینی نشود، میزان آن همچنان رو به کاهش می‌رود (خالد، ۱۳۹۱).

زنجانی و احسانی پژوهشی با عنوان «رویکرد جوانان نسبت به حجاب (مورد مطالعه مناطق دو و هجده شهر تهران)» به روش اسنادی کتابخانه‌ای انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داد که سه عامل اعتقادات مذهبی فرد، نگرش خانواده فرد نسبت به حجاب فرزندان و رضایت از مسئولان دولتی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رویکرد جوانان (۳۴-۱۸ ساله) نسبت به حجاب در دو منطقه شهر تهران است و بالاترین تأثیر نگرش فرد نسبت به حجاب مربوط به اعتقادات مذهبی فرد است؛ بنابراین افرادی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند نگرش مثبت‌تری به حجاب دارند. همچنین متغیرهای جنسیت، منطقه سکونت، شغل پدر و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با متغیر نگرش نسبت به حجاب رابطه معناداری وجود دارد و می‌تواند بر نگرش فرد در این زمینه تأثیر بگذارد (زنجانی و احسانی، ۱۳۹۱).

رجالی و همکاران در پژوهشی به نام «نگرش دانشجویان دختر دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به حجاب و پوشش زنان و برخی عوامل مؤثر بر آن» نشان دادند که ۱۹/۴ درصد از دانشجویان با حجاب موافق، ۱۹ درصد مخالف و ۶۱/۶ درصد نظر بینابینی داشتند. در این پژوهش رابطه بین ترم تحصیلی و وضعیت سکونت دانشجویان با نگرش آنها به حجاب و پوشش معنادار بود. در نهایت می‌توان گفت که بر خلاف وجود برخی از دیدگاه‌ها، نتایج به‌دست‌آمده بیانگر گرایش به معنویت و ارزش‌های دینی در بین کلیه دانشجویان بود و این گرایش فرصت خوبی را برای مسئولین فرهنگی دانشگاه فراهم می‌کند که از آن به خوبی و به طور صحیح در جهت ارتقای ارزش‌های اسلامی در بین دانشجویان بهره‌برداری نمایند (رجالی و همکاران، ۱۳۹۱).

صدیق و همکاران در پژوهشی به نام «نگرش و وضع زنان و دختران مشهدی به حجاب و دلایل کم حجابی آنان» با استفاده از روش کیفی نشان دادند که زنان کم حجاب مشهدی در یک فرایند تشدید شونده از تأثیرات اجتماعی و کم اهمیت شدن حجاب در ذهن آنان، حجاب خود را به شکل ناقص رعایت می کردند (صدیق و همکاران، ۱۳۹۷).

در کشورهای غربی بیشتر مطالعات به ظهور و گسترش حجاب و انواع آن مثل نقاب، روسری و چادر مربوط می شود. رایبسون<sup>۱</sup> در مطالعه‌ی خود با عنوان «شیوه پوشش بر تأثیر گذاری بدن و مدیریت تظاهر» به این نتیجه رسید که زنان لباس‌هایی را بیشتر می پوشند که قسمت‌هایی از بدنشان را که از آن رضایت دارند نشان دهند و از طرف دیگر این پژوهش نشان می دهد که شیوه پوشش با وضعیت تأهل و سن در رابطه است. زنانی که در برنامه کاهش وزن شرکت می کنند از لباس‌هایی استفاده می کنند که ظاهر آنها را بهتر سازد و تصور آنها را از بدنشان بهتر کند (پاشا امیری، ۱۳۹۵: ۲۶ به نقل از Robi nson, 2003).

بنحیب در مطالعه‌ی خود «بازگشت خدا شناسی سیاسی» به بررسی پدیده روسری در فرانسه آلمان و ترکیه و ممنوعیت حجاب در بستر تفاوت‌های مذهبی و قومی و فرهنگی را مورد بررسی قرار داده است. به نظر او روسری پوشیدن در این کشورها رفتاری مذهبی و بر اساس انتخاب شخصی نیست بلکه به عنوان نماد سیاسی است که به سامان دهی در سطوح مختلف نیاز دارد. دولت‌های کشور فرانسه، آلمان و ترکیه پوشش اسلامی روسری را جزء کنش سیاسی می دانند و به همین دلیل به کنترل آن می پردازند (پاشا امیری، ۱۳۹۵: ۲۴ به نقل از Be a nji b 2010).

مهتا<sup>۲</sup> در مطالعه‌ی خود «تأثیر عمیق رسانه‌های<sup>۳</sup> مدرن در زنان مسلمان دهلی در طول ۳۰ سال» نشان داد که هر چند در اوایل مصرف رسانه‌های تصویری به صورت تابو و ممنوع بوده است، اما به نظر می رسد امروزه مصرف کنندگان محصولات رسانه‌ای به صورت معناداری تحت تأثیر کالایی شدن فرهنگ رسانه‌ای قرار گرفته‌اند. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که زنان مسلمان مفروضات سنتی مصرف رسانه‌ای را کاملاً تغییر داده‌اند و سبک زندگی<sup>۴</sup> و الگوهای اندیشیده شده از خود را بازبینی کرده‌اند (صدیقی، ۱۳۹۳: ۵۵ به نقل از Me hta ,2010).

1. Robi nson
2. Me hta
3. Me di a
4. Li fe style

شیرازی و مشرا نیز در پژوهشی نشان دادند که برای فهم نگاه زنان مسلمان نسبت به حجاب در غرب، باید عوامل سیاسی، اجتماعی و تاریخی یک کشور، ماهیت مهاجرت آنها، ترکیب جمعیتی گروه آنها و چگونگی تفسیر آنها از دنیوی شدن و شهروندی را بررسی کرد. به طوری که نیمی از شرکت کنندگان در این پژوهش در عین استفاده از روسری هیچ تمایلی برای استفاده از نقاب نداشتند بلکه برعکس در محیط آمریکا آن را غیر ضروری و نامناسب می دانستند و اکثر مشارکت کنندگان این حق را برای کسانی که مایل به استفاده از نقاب بودند محترم می شمردند (صدیقی، ۱۳۹۳: ۵۴ به نقل از Mshra & Shi ra zi, 2010).

در مجموع می توان بیان داشت که عمده پژوهش ها در زمینه پوشش و حجاب با روش کمی و با مشارکت زنان و دانشجویان انجام شده است و تاکنون به بررسی عمیق این پدیده از منظر نوجوانان کم حجاب پرداخته نشده است. همچنین این پژوهش ها بیشتر در کلان شهرها انجام شده و کمتر شهرهای کوچک را بررسی کرده اند. پیش بینی می شود تا با تکیه بر یافته های پژوهش حاضر ضمن درک واقع بینانه تری از مفهوم حجاب در دختران، خلأها و اقداماتی که در جهت تبیین و معرفی هر چه بهتر حجاب باید پرداخته می شد، شناسایی شود.

### ۳- ملاحظات نظری

از دیدگاه جامعه شناسی گرایش به حجاب اسلامی و یا بدحجابی و تغییرات پوششی، حاصل تغییرات ساختارها است که منجر به تغییر رفتار افراد جامعه در زمینه پوشش می شود. تا زمانی که این تغییرات ساختاری وجود داشته باشد این فرایند همچنان ادامه خواهد یافت. پوشش یکی از عناصری است که در ایران تقریباً به میزان قابل توجهی فراتر از سطح نیاز رفته و به سطح نمایش رسیده است. افراد تمایل دارند که مارک لباس هایشان قابل رؤیت باشد تا بتوانند به گونه ای خود را از دیگران متمایز نشان بدهند. این مصرف دیگر فقط یک مبادله اقتصادی نیست بلکه یک امر فرهنگی است (پاشا امیری، ۱۳۹۵: ۲۸).

حوزه جامعه شناسی بدن<sup>۱</sup> بخش مهمی از مطالعات پوشش را در بر می گیرد. در هر جامعه ای بدن انسان یک واقعیت جسمانی و یک واقعیت اجتماعی دارد. شکل، اندازه، پوشاک و زینت بدن انسان وسیله ای برای ارتباط و انتقال اطلاعات به دیگر اعضای جامعه است. در واقع بخش زیادی از مطالعات بدن مربوط به متعلقات و وابستگی بدن است. برخی برای مطالعه انتظامات و کنترل های اجتماعی، هر نوع اعمال فشار و کنترل بر بدن را موضوع مطالعه خود قرار می دهند و برخی تغییرات

بدن را در لباس پوشیدن، آرایش کردن، بدن‌سازی، تنو کردن، عمل‌های زیبایی، رژیم‌های غذایی و ... دنبال می‌کنند؛ که در میان متعلقات بدن پوشش از مهم‌ترین آنهاست (حمیدی، ۱۳۸۶: ۶۷). رویکرد ساختی - کارکردی به اصول و قواعد حفظ و بقای نظام اجتماعی تأکید دارد. این رویکرد به موجودیت یکپارچه نظام اجتماعی در سطح کلان و ساختارها توجه دارد و شکل‌گیری کج‌روی<sup>۱</sup> را معلول انواعی از ترتیبات اجتماعی غیرکارکردی در درون ساختارهای جامعه می‌داند. بر اساس این مکتب، پدیده بدحجابی یا بی‌حجابی، تخطی از قوانین و قواعد اجتماعی و نوعی انحراف از ارزش‌های مشترک و توافق جمعی مردم است که باعث بی‌نظمی و عدم تعادل و تهدیدی برای ثبات و دوام نظام اجتماعی و درهم شکستن وفاق اجتماعی محسوب می‌شود (تاجبخش، ۱۴۰۰: ۲۱۳). در رویکرد کنش متقابل نمادین<sup>۲</sup> کنشگر در انتخاب شیوه عمل آزاد بوده، در این صورت عمل او غیرقابل پیش‌بینی است. بر اساس این دیدگاه، محور اصلی به فرد مربوط می‌شود. فرد در این دیدگاه درک و انتخاب می‌کند و سپس تفسیر می‌کند و در نهایت در این مسیر ساخته می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۲۶۹).

از منظر روشنفکران فمینیسم<sup>۳</sup> رادیکال، حجاب به شکل‌های مختلفی نماد عینی ستم علیه زنان است. آنها حجاب را شکلی از متفاوت بودن اسلام می‌دانند و به عنوان نماد ظلم علیه زنان مسلمان آن را مورد انتقاد قرار می‌دهند و حجاب را بزرگترین عامل پدرسالاری در جوامع اسلامی نامیدند. این گروه از متفکران فمینیست به بررسی حجاب و اشکال دینی در زندگی روزمره زنان در جوامع اسلامی پرداخته‌اند و چپستی تجربه زنان از پوشش را تعیین کرده‌اند. هلن واتسون و هم‌هودفر<sup>۴</sup> از جمله متفکرانی هستند که به خاطر نزدیکی نظراتشان با جامعه ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند (پاشا امیری، ۱۳۹۵: ۳۹). هودفر نشان می‌دهد که زن مسلمان به وسیله حجاب تا چه میزان می‌تواند در اجتماع مفید باشد و با استفاده از حجاب قدرت تغییر و تصمیم‌گیری در عرصه اجتماع را داشته باشد، اما با قانون<sup>۵</sup> کشف حجاب قدرت تصمیم‌گیری از او سلب می‌شود و ناتوان می‌ماند. هودفر همچنین به کارکردهای حجاب در دنیای معاصر اشاره می‌کند که به وسیله آن دختران جوان با حفظ حجاب می‌توانند اعتماد خانواده‌ها را به خود جلب کنند و به نقاطی

1. Dvi e nc e
2. Symboli c I nte ra c i on
3. Fe mi ni st i nte lle c tua ls
4. Hoodfa r
5. LOW



دورتر از محل زندگی خانوادگی‌شان حتی خارج از کشور برای تحصیل یا کار مهاجرت نمایند (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰۶).

واتسون معتقد است اسلام نظامی نیست که بخواهد زنان را تحت سلطه و نظارت مردان قرار دهد. از منظر او «موج جدید گرایش به حجاب» در بردارنده پیوند پیچیده علایق فردی و سیاسی است. وجه اشتراک افراد که در محیط‌های بسیار متفاوتی حجاب را برگزیده‌اند این است که در مواجهه با فشارهای مربوط به تغییر، مدرنیته و ارتباط بین فرهنگ‌ها یک واکنش سیاسی شده فعال از خود نشان می‌دهند و در سطح وسیع‌تر «موج جدید گرایش به حجاب» را می‌توان نمونه اسلامی روند جهانی واکنش علیه تغییر و تحول تلقی کرد؛ که در اصول بنیادگرایانه مربوط به نظم اجتماعی و اخلاقی به عنوان یک مصلحت جدید مطرح هست. در واقع پوشش به عنوان یک دغدغه سیاسی و فردی، مسئله‌ای است که الزاماتی در رابطه با جنسیت و شأن اجتماعی در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها را به دنبال دارد (واتسون، ۱۳۸۲: ۱۴).

آلتوسر ایدئولوژی را ساختار تفکر و آگاهی می‌داند که افراد در قالب آن می‌اندیشند، فعل و انفعال دارند و دنیای پیرامون خود را تجربه می‌کنند. آلتوسر معتقد است که ایدئولوژی فقط از بیرون بر زنان تحمیل نمی‌شود بلکه ایدئولوژی از درون بر آنان تحمیل می‌گردد. جان فیسک در توضیح نظریه آلتوسر<sup>۱</sup> مثال می‌زند و می‌گوید «پوشیدن کفش‌های پاشنه بلند برای زنان باعث می‌شود بدن زن مورد تأکید و توجه بیشتری قرار بگیرد، یعنی زنان در ساختن و پرداختن خود به عنوان یک شی زیبا و جذاب برای خوشایند بودن نگاه مردان مشارکت می‌کنند» (شهابی، ۱۳۹۲: ۳۳)؛ بنابراین زنی که کفش‌های پاشنه بلند می‌پوشد نوع خاصی از روابط قدرت بین زن و مرد را پذیرفته است. مردی که دوست دارد چنین زنی را نگاه کند، از موضع قدرت این روابط قدرت را پذیرفته است. از این منظر قواعد مربوط به تعیین الگوی پوشش به معنی ابراز و بیان قدرت است (پاشا امیری، ۱۳۹۵: ۳۷).

و بر<sup>۲</sup> حجاب را کنشی می‌داند که دارای چهار انگیزه و نیت است که می‌توان چهار نوع سبک کنشی نسبت به حجاب را نام برد. سبک کنشی «ابزاری، ارزشی، سنتی و عاطفی». سبک کنش ابزاری: به این معناست که هدفی که فرد آن را دنبال می‌کند، بر اساس اصولی عقلانی است که مقبول و مشروع حقوقی جمع قرار گرفته است. به این صورت که می‌توان کنش ابزاری نسبت به

1. A lthusse r

2. We be r

حجاب را نوعی منفعت‌طلبی یا نگاه ابزار گونه دانست. در این صورت حجاب به خودی خود برای کنشگر هدف نیست، بلکه ابزاری است که پذیرش و یا رد آن فرد را به خواسته‌هایش می‌رساند؛ بنابراین حجاب گونه‌ی عملی از انواع عقلانیت «کالبرگ» است (دیلینی، ۲۰۸: ۱۳۹۰). به نظر «رونالد اینگلهارت»<sup>۱</sup> کنش ارزشی دارای دو مؤلفه دینی و سکولار است. ارزش‌های دینی شامل ارزش‌های متافیزیکی و اخلاقی هستند که مبنایی برای اندیشیدن و عمل کردن در همه‌ی موقعیت‌هایی که فرد باید قضاوت اخلاقی کند با مسائل وجودی درگیر می‌شود. ارزش‌های سکولار بیشتر مبتنی بر فردگرایی هستند و به نقش عاملیت در کنار ساختار توجه بیشتری می‌کنند؛ بنابراین ارزش‌های سکولار را می‌توان تا حدی پشتوانه رد حجاب و نگرش دینی را پشتوانه پذیرش یا تأیید آنها دانست. ارزش‌های سکولار طرفدار و مروج حذف یا بی‌اعتنایی و به حاشیه راندن نقش دین در زندگی سیاسی و اجتماعی انسان هستند. نظریه‌های سکولاریزاسیون که درباره دین و نقش آن در جامعه‌ی معاصر تئوریزه شده‌اند، شرایطی را بیان کرده‌اند که با دستیابی به آنها، دین و نقش آن در دنیای جدید هر روز کمرنگ‌تر می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۷).

بورديو<sup>۲</sup> عادت‌واره‌ها را منشأ کنش می‌داند. این طرح‌واره‌ها مانند چگونه غذا خوردن، چگونه لباس پوشیدن، چگونگی ارتباطات اجتماعی، ذوقیات و مشغولیات انسان است. همچنین تفاوت در عادت‌واره‌هاست که باعث تفاوت در رفتارها و عقاید میان افراد یا گروه‌ها می‌شود (صدیقی، ۱۳۹۳: ۶۱). در سبک کنش عاطفی، استدلال مدنظر نیست بلکه فقط عمل و فعالیت کنشگر مورد علاقه و توجه است و مؤلفه‌های آن شامل «علاقه و دلبستگی»، «ترس و اجبار»، «نیاز به خودنمایی» و «جاذبه جنسی» می‌شود. این مؤلفه‌ها نسبت به کنش حجاب نیز به همین صورت مطرح می‌شوند (همان: ۶۳).

وبلن<sup>۳</sup> در تحلیل خود درباره‌ی طبقه تن‌آسا، نمایش و مصرف تظاهری در مکان‌های عمومی و همگانی را عنوان کرده و معتقد است لباس، برجسته‌ترین نمود مصرف متظاهرانه‌ی طبقه‌هاست. شیوه‌های متنوع پوشیدن تا انواع مختلف لباس، رفتاری معنادار و دلالت‌مند است. مردم در خرید لباس، بیش از سایر کالاهای مصرفی ناچارند بنا بر ضروریات زندگی، راحتی خود را کاهش دهند و شرایط مناسبی را برای مصرف تظاهری فراهم کنند (Ve ble n, 2007: 76).

1. Rona ld I ngle ha rt  
2. Bourdi e u  
3. Ve ble n

از دیدگاه جامعه‌شناسی همان‌طور که وضعیت حجاب در جوامع بشری با هم متفاوت است؛ از گروهی به گروه دیگر و از فردی به فرد دیگر هم متفاوت خواهد بود که این گوناگونی حجاب امری طبیعی و بدیهی است؛ بنابراین حجاب داشتن یا نداشتن حاصل خواست اجتماعی و تمنیات جمعی آحاد یک جامعه است. در واقع اصول ایدئولوژیکی در این امر مبنای قضاوت ارزشی و خارج از رویه علمی جامعه‌شناختی است؛ چرا که مانند هر امر دیگر حجاب نیز یک پدیده نسبی و نه مطلق است (طیبی نیا، ۱۳۹۲: ۵۰).

#### ۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در تلاش است با استفاده از روش کیفی و همدلی بیشتر با مشارکت‌کنندگان به شناسایی واقعیت از منظر آنها و دستیابی به تجربه‌ی زیست آنها در خصوص موضوع پژوهش بپردازد. در اجرای این روش، بر خلاف روش‌های کمی که از داده و فرضیات ادبیات تحقیق استفاده می‌کنند، از گزارش‌های کلامی خود افراد در مورد تجربه‌شان در رابطه با پوشش و حجاب به عنوان داده استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه نوجوانان دختر (۱۸-۱۴) سال است که در یکی از مراکز آموزش زبان‌های خارجی شهر کاشان مشغول به تحصیل بودند. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند و ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان نوع پوشش نوجوانان و تمایل و رضایت آنها به انجام مصاحبه بود؛ که بعد از مصاحبه با ۱۱ نفر داده‌های حاصل از پژوهش به اشباع نظری رسید. فرایند چرخشی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها در نهایت به نقطه‌ای در جمع‌آوری داده‌ها منتهی شد که در آن دسته‌بندی یا موضوع جدیدی شکل نگرفت که به این حالت اشباع نظری گفته می‌شود که نشان می‌دهد جمع‌آوری داده‌ها کامل شده است (کراپتر، ۱۹۹۹). مصاحبه‌ها به صورت انفرادی در یکی از کلاس‌های مرکز آموزشی صورت گرفت که میانگین طول مدت بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود. سؤالات مصاحبه حول محور نگرش و چرایی نوع پوشش و حجاب نوجوانان بود.

در نهایت برای تحلیل داده‌ها از روش ۷ مرحله‌ای کلایزی<sup>۱</sup> استفاده شد که این هفت مرحله شامل: ۱- خواندن کلمه به کلمه تمام توصیف‌ها و یافته‌های مهم شرکت‌کنندگان، ۲- استخراج عبارات مهم و جملات مرتبط با پدیده، ۳- مفهوم‌بخشی به جملات مهم استخراج‌شده، ۴- مرتب‌سازی توصیفات شرکت‌کنندگان و مفاهیم مشترک در دسته‌های خاص، ۵- تبدیل کلیه عقاید استخراج‌شده شرکت‌کنندگان به توصیفات جامع و کامل، ۶- تبدیل توصیفات کامل پدیده به

یک توصیف واقعی خلاصه و کوتاه و ۷- معتبرسازی نهایی داده‌ها می‌شود. در پایان برای سنجش قابلیت اطمینان مضمون‌های اصلی و فرعی حاصل از یافته‌های پژوهش، این داده‌ها از طریق اساتید علوم اجتماعی دانشگاه کاشان مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحاتی بر روی آن انجام شد.

### ۵- یافته‌های پژوهش

برای داشتن تصویری بهتر از مشارکت‌کنندگان، در ابتدا وضعیت آنان توصیف می‌شود و پس از آن مقوله‌های اصلی و فرعی استخراج‌شده با توجه به متن تحلیل می‌شوند.

جدول شماره ۱- توصیف کلی مشارکت‌کنندگان

کد	نام	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل
۱	یاسمن	۱۴	هشتم	مجرد
۲	مهسا	۱۷	یازدهم	مجرد
۳	فاطمه	۱۴	هشتم	مجرد
۴	سحر	۱۶	دهم	مجرد
۵	کیانا	۱۸	دوازدهم	متاهل
۶	فاطمه	۱۴	هشتم	مجرد
۷	مریم	۱۵	نهم	مجرد
۸	امینه	۱۷	یازدهم	مجرد
۹	مانا	۱۵	نهم	مجرد
۱۰	الهه	۱۸	دوازدهم	متاهل
۱۱	حدیثه	۱۴	هشتم	مجرد

در راستای استخراج نتایج حاصل از پژوهش در ابتدا مضامین اولیه‌ی مصاحبه‌ها استخراج شد و پس از بازنگری و اصلاح با توجه به مجموع مصاحبه‌ها، ۴ مضمون اصلی و ۱۲ مضمون فرعی به دست آمد که در جدول شماره ۲ آمده است.

## جدول شماره ۲- مضامین اصلی و فرعی استخراج شده از مصاحبه‌ها

مضامین اصلی	مضامین فرعی
زمینه‌های اجتماعی	هنجارهای اجتماعی
	انطباق با عرف و مد
	بسترهای محیط و جغرافیای محل زندگی
	قضاوت اجتماعی
	امنیت اجتماعی
	دلالت دینی
زمینه‌های فردی	احساس راحتی
	اختیاری بودن پوشش
	اصالت زیبایی
زمینه‌های خانوادگی	الگوگیری و پیروی از خانواده
	اقناع و نرمش خانواده
الگوهای رسانه‌ای	فضای مجازی

## ۱-۵- زمینه‌های اجتماعی

با مطالعه و تفسیر نتایج مصاحبه‌ها یکی از مضمون‌های اصلی اثر گذار در خصوص پدیده مورد بررسی در پژوهش حاضر، بسترهای اجتماعی است. به این صورت که تمام فعالیت‌های ما در طول روزمره تحت تأثیر بسترها و شرایط اجتماعی است و دختران پوشش خود را مطابق با چارچوب جامعه و الگوگیری از این عرصه انتخاب می‌کنند؛ از جمله زمینه‌های اجتماعی می‌توان به «هنجارهای اجتماعی، انطباق با عرف جامعه و دنیای مد، بسترهای محیطی و جغرافیایی، قضاوت اجتماعی، امنیت اجتماعی و دلالت دینی» اشاره کرد؛ که این مضمون‌ها در پاسخ به سؤالاتی بود مبنی بر اینکه هدف شما از انتخاب این نوع سبک پوشش چه بوده است؟

## ۵-۱-۱- هنجارهای اجتماعی

این دسته از نوجوانان به پذیرش قوانین حاکم بر جامعه و هنجارهای اجتماعی اشاره کردند. در واقع، قانون آن دسته از هنجارهای اجتماعی است که جامعه، آنها را برای بقای خود لازم می‌داند به صورتی که اگر تخلفی در این زمینه صورت بگیرد دولت و ابزارهای حکومتی به مقابله با آن می‌پردازند. در حالی که دختران بیان کردند که سبک پوشش خود را متناسب با هنجارها و قوانین حاکم بر جامعه انتخاب کرده‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد هنجارها و قوانین جامعه می‌گوید:

«ما داریم توی جهان اجتماعی زندگی می‌کنیم یعنی ما از بقیه تأثیر می‌گیریم و روی بقیه تأثیر می‌زاریم پس ۱۰۰ درصد پوشش ما باید طوری باشه که هم نظر شخصی خودمون باشه هم اینکه به ضرر جامعه نباشه و می‌تونیم طبق چارچوبی که جامعه مشخص کرده لباس بپوشیم». (کد ۹)

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد قوانین جامعه می‌گوید:

«ببینید مسلماً عوامل بیرونی هست که به درون ما تأثیر می‌زازه. مثلاً اگه اروپا بودیم این نوع پوشش رو نداشتیم چون که قانون اونجا با ایران فرق داره. ضمن این که قوانین سفت و سخت در مورد حجاب و نوع پوشش میتونه نتیجه عکس داشته باشه که مثلاً بگن حتماً باید اینطوری لباس بپوشین یا اونطوری لباس بپوشین، خوب نیست و باید حجاب لحاظ بشه و حد وسطی داشته باشه و مردم هم نباید طوری بیان بیرون که اعتقادات خودشون رو زیر سوال ببرن». (کد ۷)

## ۵-۱-۲- انطباق با عرف جامعه و دنیای مد

مسئله دیگری که در مصاحبه‌ها به آن اشاره شد در زمینه‌ی عرف جامعه و دنیای مد است. به این صورت که نوجوانان پوشش خود را مطابق با عرف جامعه و مدهای روز انتخاب می‌کنند. در واقع، خصوصی‌سازی و حرکت به سمت الگوهای سرمایه‌داری سبک زندگی را به تدریج تغییر داده است. به این صورت که مردم حتی بدون نیاز، خود را مجبور به مصرف کالاهایی می‌بینند تا از فشارهای هنجاری و اتهام عقب‌ماندگی رها شوند. همچنین دختران در نظام پوشش مجبور می‌شوند خود را به روز نشان دهند تا منزلت و احترام کسب کنند؛ که در این بین «مد» یکی از مهم‌ترین روش‌هاست و مدگرایی محصول دوران مدرنیته است. به این صورت که بسیاری از نوجوانان دختر امروزی در انتخاب سبک پوشش خود به مدگرایی و عرف جامعه توجه داشته و

به عنوان مثال مانتوهایی را انتخاب می‌کنند که منطبق با عرف جامعه و دنیای مد است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«ببینید کشوری که ما داریم زندگی می‌کنیم عقیده و نظر ما رو شکل می‌ده پس مسلماً پوشش منم مطابق با عرف جامعه است. مثلاً من نسبت به اون سال و دهه‌ای (دهه ۸۰) که توش به دنیا آمدم شبیه خیلی از همسن و سال‌های خودم هستم؛ یعنی من و خانوادم اصلاً شبیه غربی‌ها نیستیم و شبیه عرف جامعه ایرانی لباس می‌پوشیم ولی در حد میانه و سعی می‌کنم لباسام غیر عرف جامعه نباشه». (کد ۵)

اظهارات یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد مد روز:

«من وقتی می‌خوام مانتو بخرم یا لباس شیک و باکلاس بگیرم مد و مجله‌های فشن رو نگاه می‌کنم و برام مهمه که لباسام مد و بروز باشه مثلاً به مانتوهایی مد شده با طرح‌های شلوغ من اینا رو دوست دارم و می‌پوشم». (کد ۸)

### ۵-۱-۳- بسترهای محیط و جغرافیای محل زندگی

یکی از مضامین دیگری که از مصاحبه‌ها استخراج شد بسترهای محیط و جغرافیای محل زندگی بود. به این صورت که دختران با توجه به موقعیت مکانی زندگی، خود را ملزم به رعایت پوشش می‌دانند و متناسب با آن جمع و محیط لباس می‌پوشند. به طوری که در محیط‌های رسمی مثل مدرسه، دانشگاه و ادارات افراد باید ملزم به رعایت حدی از پوشش باشند که در آن موقعیت‌ها و مکان‌ها تأکید می‌شود و در محیط بیرون از خانه و رفتن به بازار و گردش با پوشش آزادتر حضور پیدا کنند. برخی از مصاحبه‌شوندگان از موقعیت‌مند بودن پوشش<sup>۱</sup> سخن می‌گفتند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«خب نوع پوشش بستگی به مکانی داره که توش هستم مثلاً توی مدرسه طبق قوانین مدرسه لباس می‌پوشم حتی به نظرم بافت شهری هم خیلی تأثیر داره مثلاً کاشون چون یه شهر مذهبی این طوری لباس می‌پوشم». (کد ۵)

همچنین با توجه به نتایج برخی از مصاحبه‌شوندگان برای انتخاب سبک پوشش خود به بسترهای جغرافیایی اشاره کرده‌اند:

«کلاً من با مانتوهایی که راحت و آزاد باشه و تنگ نباشه مخصوصاً توی این هوای گرم تابستون، خیلی موافقم. چون توی این هوای گرم کاشون لباسای تنگ و یا تیره رنگ گرما رو به خودش جذب می کنه. مثلاً چون که تابستونم هست می تونی یه مانتوی نخی و نازک تر بپوشی که خنکم بشی». (کد ۶)

#### ۵-۱-۴- قضاوت اجتماعی

مضمون فرعی دیگر که در مصاحبه نوجوانان دختر به آن بسیار اشاره کرده‌اند قضاوت اجتماعی بود. در واقع همان طور که همه زنان و مردان مسلمان به رعایت پوشش و حجاب تأکید شده‌اند، به کنترل نگاه در نحوه تعامل و ارتباط با نامحرم نیز مأمور شده‌اند که این نشان می‌دهد ارتباط مستقیمی میان رعایت حجاب و پوشش با کنترل نگاه در نحوه تعامل افراد جامعه وجود دارد؛ به این معنا که اگر فردی پوشش و حجاب مورد نظر را داشته باشد، کمتر مورد طمع و نظر دیگران واقع شده و در انجام فعالیت‌های اجتماعی نیز محدودیت کمتری دارد؛ و به هر میزان که رعایت پوشش و حجاب فرد کاهش یابد، بیشتر مورد طمع و نظر دیگران قرار می‌گیرد. مثلاً کسی که چشم‌چرانی می‌کند، این رفتار گرچه امری نامطلوب تلقی می‌شود ولی معمولاً مردم با مشاهده‌ی آن چندان واکنشی نسبت به فرد نشان نمی‌دهند. یکی از مصاحبه‌شوندگان این‌گونه می‌گوید که:

«وقتی می‌رفتیم جایی یه جور خاصی نگاه می‌کردن و منم چادری و با حجاب نبودم، خب یه نگاه دیگه بهم داشتن؛ مثلاً حتی مادر من برای دخترایی که بیرون و آزادان می‌گه فلان و حرفای بدی می‌زنه، اما من می‌گم چرا اینو می‌گی دیگه چه برسه به مردم که پشت سرمون حرف می‌زنن و می‌گن این دختر فلانه و فلانه». (کد ۲)

#### ۵-۱-۵- امنیت اجتماعی

یکی دیگر از مفاهیمی که در این پژوهش به آن اشاره می‌شود نا امنی و مزاحمت است. پوشش امری است که به زندگی افراد و به خصوص زندگی زنان وابسته است و به بهتر شدن زندگی آنها کمک می‌کند. پوشش و حجاب، کارکرد حفاظتی و امنیتی دارد؛ یعنی فرد با داشتن حجاب به نوعی خود را در برابر مسائل و مشکلات احتمالی موجود در جامعه حفظ می‌کند. اغلب نوجوانان نوع پوشش‌شان را با توجه به تجربه‌ی زیسته‌شان انتخاب می‌کنند یعنی در انتخاب نوع پوشش به مزایا و مشکلاتی که انواع سبک‌های مختلف پوششی دارد، توجه می‌کنند. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های انتخاب نوع پوشش در میان دختران، انگیزه‌های غلبه بر ناامنی است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:



«به نظر من مثلاً بی حجاب باشی بیشتر میان سمتت و تیکه میندازن، ولی وقتی باحجاب باشی کمتر میان سمتت؛ یعنی من حتی تو راه مدرسه مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتم به خاطر همین شما باید حواست به خطرهایی که از طرف آدمای مریض هست باشه. مثلاً خانواد همیشه به من میگن پوششی داشته باش که وقتی وارد جامعه میشی برات خطرناک نباشه». (کد ۱)

#### ۵-۱-۶- دلالت دینی

مسئله دیگری که در طی مصاحبه‌ها به آن اشاره شد دلالت‌های دینی بودند. بر این اساس که دین مبنایی برای کنش‌های انسانی است و به رفتار آنها معنا می‌دهد. ویلسون بیان می‌کند که با صنعتی‌تر شدن جوامع در حال توسعه، فشارهای مشابهی در جهت سکولاریزاسیون یا کاستن از معنا و اهمیت دین در عملکرد نظام اجتماعی به این جوامع وارد خواهد شد. در واقع نوجوانان اگر چه به نقش دوره‌های تاریخی و مذهبی حجاب اشاره دارند اما معتقدند که با توجه به دوران معاصر نوع پوشش فرق می‌کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«مثلاً تو این دوره بعضیا کشف حجاب می‌کنند ولی از نظر من حالا این موهام پیدا نباشه بهتره چون که در زمان‌های قدیم هم حجاب بوده و ما باید نگهش داریم و منم بر اساس شرع و اون چیزایی که تو کتابای دینی اومده لباس می‌پوشم اما می‌دونم که حتماً چادر نیست و یه مانتوی معمولی می‌پوشم که حجاب مناسبی هم دارم و به نظرم هر کسی نسبت به نوع عقایدی که داره پوشش اون فرق می‌کنه. البته اینم بگم که بعضی وقتا وجدان آدم راضی نمیشه که بعضی لباسا رو بپوشه چون در شأن یه انسان نیست». (کد ۳)

#### ۵-۲- زمینه‌های فردی

یکی دیگر از مضامین اصلی این پژوهش که با توجه به تفسیر داده‌ها استخراج شده، زمینه‌های فردی است؛ که شامل سه مضمون فرعی «احساس راحتی، اختیاری بودن، اصالت زیبایی» است. از آنجا که نوجوانی دوره‌ی بلوغ و کسب هویت فردی و استقلال است دختران بیشتر تمایل دارند که سبک پوشش به سلیقه‌ی خودشان باشد و همان‌گونه که دوست دارند لباس بپوشند؛ که زیرمقولات آن به شرح ذیل است.

## ۵-۲-۱- احساس راحتی

برخی از مصاحبه‌شوندگان به مضمون «احساس راحتی» اشاره کرده بودند که بسیار مورد توجه نوجوانان دختر بود. به این صورت که در گذشته، پوشش چیزی بود که مردم می‌پوشیدند و خود را می‌پوشاندند. اما امروزه پوشش آن چیزی است که مردم می‌پوشند، خود را نشان می‌دهند و درباره‌اش حرف می‌زنند و با آن احساس راحتی و نشاط می‌کنند یا این احساس را به طرف مقابلشان منتقل می‌کنند. در واقع بیشتر نوجوانان دختر به راحت بودن این نوع سبک پوشش اشاره می‌کردند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«من چیزی رو که راحت‌ترم همیشه انتخاب می‌کنم مثلاً با شال میام بیرون و حجابمو متوسط نگه می‌دارم و خیلی به خودم سخت نمی‌گیرم». (کد ۱)

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد راحت بودن این پوشش این‌گونه می‌گوید:

«به نظرم اگه آدم به مانتو معمولی بپوشه که بدن نما نباشه و شلوارشم کوتاه نباشه خیلی خوبه حالا اگه یکم موهامون بیرونم باشه اشکالی نداره، یعنی من اینجوری راحتم و توی این سبک پوششم خیلی احساس راحتی می‌کنم از طرف دیگه چون دست و پا گیرم نیست خیلی خوبه». (کد ۱۰)

## ۵-۲-۲- اختیاری بودن پوشش

یکی از موارد دیگری که در حین مصاحبه به آن اشاره شد، اختیاری بودن و شخصی بودن نوع پوشش توسط نوجوانان بود. به این صورت که نوجوانان با توجه به نقش ذهن و آگاهی به تصمیم‌گیری و گزینش‌های فردی در زمینه پوشش و حجاب اقدام می‌کنند. در واقع از نظر آنان اگر چه برخی ساختارها، پوشش و حجاب را مسئله‌ای الزامی می‌دانند و افراد را ملزم به رعایت آن می‌کنند اما در مقابل، خواهان انتخاب پوشش‌های اختیاری و شخصی هستند. یکی از مصاحبه‌شوندگان این‌گونه می‌گوید که:

«به نظر من هر کسی باید خودش نوع پوشش رو انتخاب کنه. یعنی درسته که نباید هر چیزی رو بپوشه ولی آدم باید اون چیزی رو که معقول هست رو مطابق علاقه خودش و چیزی که دوست داره بپوشه. چون که به نظرم پوشش یه انتخاب شخصیه». (کد ۳)

## ۵-۲-۳- اصالت زیبایی

از دیگر دغدغه‌های دختران داشتن زیبایی بود که در حین مصاحبه‌ها به آن اشاره شد به نظر می‌رسد که نوجوانان دختر در جامعه امروز، شیک بودن و زیبایی را الگوی مطلوب پوشش خود می‌دانند و لباس و یا مانتویی را انتخاب می‌کنند که از ویژگی زیبایی برخوردار باشد. این مسئله نشان‌دهنده تغییرات نگرشی نوجوانان نسبت به معنای واقعی پوشش است. به این صورت که در جامعه معاصر، پوشش از معنای واقعی خود مبتنی بر پنهان بودن در حجب و حیا فاصله گرفته است و نماد توجه به ظاهر و ظاهرگرایی و زیبایی‌گرایی پیدا کرده است. همچنین بسیاری از نوجوانان دختر به تنوع رنگ در پوشش خود اهمیت می‌دهند و رنگ‌های تیره و یکنواخت را نمی‌پسندند و برای همین پوشیدن مانتو با رنگ‌های شاد و موجب زیبایی و نشاط روحی خود می‌دانند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«بله خب به نظر من این پوشش روی زیبایی ظاهر من تأثیر داره مثلاً یکی دوست داره موهاشو بیرون بزاره مثلاً خانمایی که روسری سرشونه خیلی بیشتر با لباسشون و آرایششون خودنمایی می‌کنن و زیباترن. به نظرم حتی آدم می‌تونه با یه مانتو ساده هم زیبا باشه البته بگم خب من مانتو رو خیلی دوست دارم به خاطر اینکه به نظرم توش خوشگلترم». (کد ۴)

یکی دیگر از ملاک‌های زیبایی که نوجوانان به آن اشاره کرده‌اند تنوع رنگی در پوشش است یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید که:

«من کلاً دوست دارم با لباسای رنگ شاد بیام بیرون مثلاً با اینکه خودم تپل هستم؛ اما بازم لباسای رنگ شاد مته سفید و صورتی می‌پوشم چون حس خوبی بهم میده». (کد ۸)

## ۵-۳- زمینه‌های خانوادگی

سومین مضمون اصلی که از مصاحبه‌ها استخراج شده است مربوط به زمینه‌های خانوادگی است به طوری که نگرش و نقش خانواده‌ها در نوع پوشش نوجوانان دختر تأثیرگذار است؛ که طبق داده‌های استخراج‌شده دارای دو مضمون فرعی «الگوگیری و پیروی از خانواده، نرمش و اقناع خانواده» است.

## ۵-۳-۱- الگوگیری و پیروی از خانواده

بخشی از مصاحبه با دختران در زمینه‌ی سبک پوشش خانواده و الگوگیری از آنهاست. در واقع می‌دانیم که خانواده مهم‌ترین رکن ترویج‌دهنده‌ی فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه بوده و باور به پوشش و حجاب باید از درون خانواده به فرزندان آموزش داده شود، به همین دلیل،

نقش متقابل و شیوه اثرگذاری و اثرپذیری اعضای خانواده از یکدیگر در نهادینه‌سازی امر پوشش و حجاب، نقش به‌سزایی دارد. به این صورت که برخی نوجوانان دختر در مصاحبه از اهمیت پوشش اعضای خانواده خود در نهادینه‌سازی فرهنگ پوشش و حجاب صحبت کرده‌اند. در واقع می‌توان گفت که نوجوانان دختر با تقلید و پیروی کردن از خانواده که به نوعی شکلی از کنش سنتی است پوشش خود را انتخاب می‌کنند به این صورت که صرفاً به خاطر مانتویی بودن مادر و خواهر، نوجوانان نیز همین سبک را انتخاب می‌کنند چون که نوجوانان در این سن حس تقلیدپذیری بسیاری دارند. یکی از مصاحبه‌شوندگان این‌گونه بیان می‌کند که:

«پوشش و نگرشی که من دارم خانوادم داره مثلاً تو خانواده ما چادری نداریم ولی بی‌حجاب هم زیاد نیستن با شال و مانتو میان بیرون و عادی هستن پس مسلماً اگر من یه چنین تفکری دارم صد در صد یه ریشه اون از خانواده‌ست اما خب خانوادم نمیگم خیلی آزاد هستن مثلاً محدودیت‌هایی هم هست که باید باشه ولی خب نگرشی که من دارم به پیروی از خانوادمه یعنی انتخاب آزاد». (کد ۴)

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد پیروی از خانواده در این باره می‌گوید:

«ولی خب ما تو خونمون این‌جوری بزرگ شدیم و طرز عقیدمون متفاوت، یعنی تو ذهن من نمی‌گنجه چادر سر کنم. منو خواهرم همین‌جوری لباس می‌پوشیم یعنی مامانم همین‌طوره مته ما مانتویی. به نظر من هر کسی پوششو بر اساس خانوادش مشخص می‌کنه مثلاً به نفر چادر رو انتخاب می‌کنه چون خانوادش این‌جوریه و با چادر عجین شده». (کد ۱)

### ۵-۳-۲- اقناع و نرمش خانواده

مضمون فرعی دیگری که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند، حمایت و عدم حمایت خانواده‌هایشان و به نوعی اقناع آنهاست. همان‌گونه که اشاره شد نقش خانواده در نهادینه‌سازی فرهنگ پوشش و حجاب از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع، خانواده‌هایی که پوشش در میان آنها بار ارزشی بالایی دارد، نوجوانان دختر سعی در اقناع خانواده‌هایشان در مورد سبک پوشش دارند؛ و اینها خانواده‌هایی هستند که نگرش سهل‌گیرانه‌تری نسبت به سبک‌های پوشش و حجاب در بین فرزندان خود دارند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«ببینید خانواده من اگه خیلی آزاد باشم اعتراض می‌کنن ولی به اندازه خودشون. مثلاً قبلنا سخت‌گیرتر بودن. ولی خب کم کم راه اومدن و کم کم قانع شون کردم. به نظر من خانواده‌ها باور و نظرشون بهتر شده به خاطر همین دیگه فکر می‌کنم اون گیرای قبلی

رو نمیدن یعنی مئه دهه ۶۰ و ۵۰ نیست که خیلی پافشاری کنن. البته اینم بگم که اگه لباسام یه چیزیه باشه که تو چشم باشه و حالت ضد جامعه باشه مسلماً خانوادم مخالفت میکنن». (کد ۱۱)

#### ۴-۵- الگوهای رسانه‌ای

الگوهای رسانه‌ای چهارمین مضمون اصلی استخراج شده از مصاحبه‌ها و نظرات مشارکت‌کنندگان در پژوهش است. که در ادامه به آن پرداخته شده است.

#### ۵-۴-۱- فضای مجازی

الگوهای رسانه‌ای بدین معناست که به نوعی رسانه‌ها (فضای مجازی) در سبک پوشش نوجوانان دختر نقش دارند؛ که از مضمون فرعی «فضای مجازی» گرفته شده است. در واقع، امروزه زنان و دختران با مقوله‌ی پوشش و حجاب، بیشتر به عنوان نوعی از سبک زندگی مورد علاقه‌ی خود برخورد می‌کنند؛ که نقش مصرف‌گرایی و مد را به خوبی آشکار می‌کند. این سبک‌های زندگی جدید که تحت تأثیر دوران مدرنیته‌اند به وسیله رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی در سرتاسر جهان تبلیغ می‌شوند. در واقع، این رسانه‌ها با پخش برنامه‌هایی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم حجاب را به مثابه امری سنتی و متعلق به دوران اسارت زن می‌دانند و بر آزادی هر چه بیشتر زنان تأکید کرده و داشتن حجاب دلخواه، متنوع و متفاوت را نشان دهنده سبک زندگی متفاوت زنان به شمار می‌آورند؛ بنابراین نوجوانان دختر منطبق با الگوهای رسانه‌ای و به ویژه بلاگرها و سلبریتی‌ها، سبک پوشش خود را انتخاب می‌کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«مثلاً سلبریتی‌ها و بلاگرها یه مد برای خودشون درست میکنن و سلیقه‌هاشون متفاوته و بیشتر دخترا طبق اون لباس می‌پوشن مخصوصاً سلبریتی‌ها چونکه ستاره هستن توی جامعه. خواه ناخواه سبک پوششون توی جامعه رواج پیدا می‌کنه. ببینید فضای مجازی خود به خود روی همه چیز تأثیر میزاره چون که مد رو با خودش میاره». (کد ۶)

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در مورد تأثیر فضای مجازی بر روی سبک پوشش این گونه بیان می‌کند که:

«من بیشتر مانتوهای خودمو از فضای مجازی خریدم و با پیج‌ها و لباسای مختلف و خوشگلی آشنا شدم که بیشتر از اونا الگو می‌گیرم خب بالاخره بلاگرهایی هستن که تأثیر گذارن». (کد ۷)

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر واکاوی کیفی مفهوم پوشش و حجاب از منظر نوجوانان کم حجاب است. نوع پوشش و حجاب به عنوان یکی از مصادیق دینی و اعتقادی مردم در جامعه شناخته می‌شود و بررسی‌های چندساله اخیر در جمعیت زنان ایرانی نشان دهنده شدت و سرعت بسیار بالای پذیرش تغییرات در نوع پوشش و بازتعریفی از مفهوم حجاب بوده است. گرچه در گذشته مفهوم حجاب به معنای پوشاندن کامل بدن از نامحرمان بوده است اما این مفهوم در بین برخی از دختران و زنان ایرانی دستخوش تغییر و تحول شده است. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از استخراج ۴ مضمون اصلی و ۱۲ مضمون فرعی در زمینه نوع نگاه و نگرش نوجوانان دختر کم حجاب به پوشش و حجاب بوده است.

مضمون اصلی اول زمینه‌های اجتماعی است. دوره نوجوانی دوره هم‌ترازی با مد و مدگرایی نامیده می‌شود. دوره‌ای که در آن سعی دارد خود را مطابق با استانداردهای حاکم بر جامعه خود و اطرافیان تنظیم کرده و در صورت فاصله گرفتن از آن خود را منزوری یا مطرود می‌شناسد (Si I- rs,2022:260). در این راستا برخی از نوجوانان دختر مشارکت‌کننده در پژوهش اشاره داشتند که پوشیدن لباس‌های به روز جامعه از علایق آنان است و نمی‌خواهند از آنچه در جامعه در حال رخ دادن است فاصله داشته باشند. همچنین تفاوت بین پوشش آنان با پوشش همسالانشان منجر به احساس و نگرش منفی آنها نسبت به خود می‌شود.

شرایط اقلیمی و آب و هوایی نیز یکی از فاکتورهایی است که می‌تواند بر نوع پوشش زنان تأثیرگذار باشد (عسگری خانقاه و بهادری نژاد، ۱۳۹۳: ۵۲). به طوری که در اقلیم‌های گرم و خشک مردم بیشتر تمایل به پوشیدن لباس‌های با رنگ روشن و پارچه‌های خنک‌تر و در اقلیم سرد تمایل به پوشیدن لباس‌هایی با رنگ‌های تیره و پارچه‌های ضخیم دارند. این تمایل و علاقه‌مندی در بین مشارکت‌کنندگان این پژوهش نیز وجود داشت و آنها این موضوع را یکی از موارد مهم و زمینه‌ساز انتخاب پوشش خود می‌دانستند.

دو مضمون فرعی استخراج‌شده قضاوت اجتماعی و امنیت اجتماعی که در مصاحبه با نوجوانان دختر کم حجاب استخراج شد حاکی از آن بود که اگر چه آنها نوع پوشش خود را انتخابی و آزادانه می‌دانستند، اما بر تأثیر قضاوت دیگران در نوع پوشش و حجاب خود نیز تأکید داشتند. به علاوه این گروه از نوجوانان به احساس امنیت ناشی از پوشش کامل نیز اشاره داشتند و بر این باور بودند که این امر آنها را در برابر نگاه‌های آلوده دیگران محافظت می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش فاضلیان (۱۳۸۹) مبنی بر احساس آرامش بیشتر در بین زنانی که با حجاب و پوشش

کامل‌تر در جامعه حضور دارند، منطبق است. همچنین با نتایج پژوهش احمدی و کلدی (۱۳۹۱) که مبنی بر اینکه در فرهنگ‌هایی که برهنگی و پوشش به صورت اختیاری است، زنان تلاش بیشتری برای زیبا به نظر رسیدن دارند و رقابت بیشتری را برای به روز شدن و مدگرایی تجربه می‌کنند همسو است.

دلالت‌های دینی، مضمون استخراج شده دیگری است که در این راستا هر یک از نوجوانان کم حجاب سعی داشتند از فلسفه حجاب و ارتباط آن با مفاهیم دینی و اعتقادی تعریفی جدید داشته باشند. به نظر می‌رسد این نگاه را می‌توان ناشی از عدم تبیین هر چه بهتر نقش و جایگاه حجاب در مفاهیم دینی دانست که ضرورت ورود مسئولان فرهنگی و دینی را مشخص می‌نماید. در این راستا قیدرلو، هاشمیان و کرم‌اللهی (۱۳۹۶) نیز اعتقاد دارند که برای ایجاد بسترهای مناسب حجاب و تنظیم پوشش در جامعه، اولین گام فرهنگ‌سازی و تبیین هر چه بیشتر این پدیده است. مضمون اصلی دیگر به دست آمده زمینه‌های فردی است که شامل مضامین فرعی احساس راحتی، اختیاری بودن پوشش و اصالت زیبایی است. این مضمون که ارتباط مستقیم با ویژگی‌های شخصی و مرتبط با خود دختران نوجوان در انتخاب نوع پوشش داشت مبتنی بر آن است که داشتن احساس راحتی در پوشش یکی از ملاک‌های اصلی در انتخاب نوع پوشش است. به علاوه این گروه بیان داشتند که برای نوع پوشش به خود سخت نمی‌گیرند و نوعی از پوشش را که احساس راحتی تری با آن دارند و احساس زیبایی با آن دارند را انتخاب می‌کنند. از منظر تمامی دختران نوجوان مشارکت‌کننده در پژوهش شیک‌پوشی یک امر مهم است و از این رو نوع پوشش به عنوان عاملی مهم در راستای زیباتر شدن است.

مضمون اصلی دیگر، زمینه‌های خانوادگی است که شامل دو مضمون فرعی الگوگیری و پیروی از خانواده و اقناع و نرمش خانواده می‌شود. این مضمون با اشاره به جایگاه خانواده در انتخاب نوع پوشش حاکی از آن است که فضای حاکم بر خانواده که پیرو نوع خاصی از پوشش است می‌تواند در انتخاب نوع پوشش نوجوانان دختر تأثیرگذار باشد. این یافته که با پژوهش خدادادی سنگده و همکاران (۱۳۹۵) همسو است نشان داد که یکی از معیارهای تأثیرگذار در لباس و پوشش زنان الگوگیری از اعضا خانواده و پیشینه خانوادگی است؛ اما نکته قابل تأمل در پژوهش حاضر اشاره به آن دارد که در صورتی که نوع پوشش خانواده با پوشش مورد علاقه نوجوان دختر در تناقض باشد این احتمال وجود دارد که نوجوان با فرایند اقناع و توجیه، بتواند خانواده را با پوشش خود همراه و پذیرش و نرمش اعضا خانواده را به دست آورد. این مضمون در واقع بیانگر آن است که اعضای خانواده به عنوان کنشگران فعال می‌توانند نقش مهمی در تبیین فلسفه حجاب و انتخاب

صحیح پوشش در بین نوجوانان خود داشته باشند.

مضمون اصلی دیگر پژوهش حاضر الگوهای رسانه‌ای با مضمون فرعی فضای مجازی بود که اشاره به نقش الگوها و تبلیغات در انتخاب نوع پوشش داشت. با گسترش فضای مجازی معیار و سبک زندگی جامعه ایرانی نظیر سبک پوشش دچار تغییر شده است و عملاً الگوهای رسانه‌ای در کنار فضای مجازی را می‌توان به عنوان یک بستر مهم و تسریع‌کننده در تغییر نوع پوشش دانست که الگوهای متفاوت با فرهنگ خودی ولیکن جذاب را برای مخاطبان خود خصوصاً نوجوانان ارائه می‌دهد. به علاوه تأکید بر شعارهایی همچون آزادی، مدگرایی، زیباگرایی هر یک از مواردی است که در تبیین هر چه بیشتر نوع پوشش انتخابی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

### منابع

- ◀ آزاد ارمکی، تقی، ساعی شریفی، محمدحسین، و ایثاری، مریم (۱۳۹۱). تبارشناسی پوشش زنان؛ در ایران دهه‌های ۷۰ و ۸۰. *مطالعات سبک زندگی*، ۱(۲).
- ◀ احمدی، حبیب، روحانی، علی، و زهری، محسن (۱۳۸۸). تبیین واقعیت اجتماعی حجاب از منظرگاه فمینیستی و آرای اندیشمندان اسلامی. *بانوان شیعه*، ۶(۲۰).
- ◀ احمدی، محمد و کلدی، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. *زن و جامعه*، ۳(۴).
- ◀ اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- ◀ پاشا امیری، مسعود (۱۳۹۵). پژوهشی کیفی در باب دلالت‌های معنایی حجاب در میان دختران جوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش علوم اجتماعی.
- ◀ پروری، پیمان، و محمدیان محمود (۱۴۰۰). فهم تجربه‌ی زیسته‌ی زنان از رفتار متکبران در مصرف برندها و کالاهای لوکس. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۳(۹۲).
- ◀ تاجبخش، غلامرضا (۱۴۰۰). واکاوی جامعه‌شناختی پوشش دانشجویان. *دین و سیاست فرهنگی*، ۱(۱).
- ◀ حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۶). *فرهنگی برهنگی، برهنگی فرهنگی*. تهران: انتشارات اسلامی.
- ◀ حقیقی، مژگان (۱۳۹۶). *حجاب و عاملیت ابژه‌ها: مراجعه زنان و ابژه‌های پوشش بعد از انقلاب اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی گرایش مطالعات فرهنگی.
- ◀ حمیدی، نفیسه، و فرجی، مهدی (۱۳۸۶). *سبک زندگی و پوشش زنان در تهران*. *تحقیقات فرهنگی*، ۱(۱).
- ◀ خدادادی سنگده، جواد، احمدی، خدابخش، خانزاده، مصطفی، آموستی، فروغ، انویی، آهو، و حقانی، مجتبی (۱۳۹۵). *تأثیر عملکرد خانواده در پیش‌بینی حجاب زنان*. *فرهنگی تربیتی زنان و*



خانواده، ۱۱ (۳۶).

◀ دیلینی، تیم (۱۳۹۰). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی. ترجمه بهرننگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نشر نی.

◀ رجالی، مهری (۱۳۹۱). نگرش دانشجویان دختر دانشکده بهداشت علوم پزشکی اصفهان نسبت به حجاب و پوشش زنان و برخی عوامل مؤثر بر آن تحقیقات نظام سلامت، ۸ (۳).

◀ رستگار خالد، امیر، نقی‌پور ایوکی، سحر، و محمدی، میثم (۱۳۹۱). کنش‌های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره. مطالعات راهبردی زنان، (۵۶).

◀ زنجانی، حبیب‌الله، و احسانی، مریم (۱۳۹۱). رویکرد جوانان نسبت به حجاب (مورد مطالعه: مناطق دو و هجده شهر تهران). مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۲ (۶).

◀ شهابی، محمود، علینقیان، شیوا و جواهری، فاطمه (۱۳۹۲). نظریه‌پردازی مبنایی دلالت‌های فرهنگی تنوع پوشش‌های زنانه در شهر تهران. مطالعات اجتماعی ایران، ۷ (۴).

◀ صدیق اورعی، غلامرضا، غنی‌زاده، مصطفی، صداقت، هانیه و کابلی عاطفه (۱۳۹۷). نگرش و موضع زنان و دختران مشهدی به حجاب. مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۹ (۴۴).

◀ صدیقی، مینا (۱۳۹۳). بررسی علل بدحجابی در جامعه و راهکارهای عملی پیشگیری و مقابله با اشاعه‌ی آن در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات فرهنگی.

◀ ضرغامی، آناهیتا (۱۳۸۷). حجاب زن ایرانی در بستر تاریخ. بانوان شیعه، (۱۵).

◀ طیبی‌نیا، موسی، و احمدی، حبیب (۱۳۹۲). مدل یابی معادلات ساختاری حجاب و عفاف. زن و جامعه، ۴ (۴).

◀ عسگری خانقاه، اصغر و بهادری‌نژاد، عاطفه (۱۳۹۳). فرهنگ پوشش زنانه نزد بانوان دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی (چادر غیر ساده ملی، عربی، قجری...). دین و سیاست فرهنگی (۱).  
◀ علاسوند، فریبا (۱۳۸۶). اگر زن نباشی (ضرورت نگاه نظام مند به الگوی شخصیت زن مسلمان). ماهنامه خردنامه همشهری، ش ۱۶.

◀ علوی، سید حمیدرضا و حجتی، راضیه (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان. تربیت اسلامی، (۴).

◀ فاضلیان، پوران‌دخت (۱۳۹۰). بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران. پژوهش‌نامه زنان، (۲).

◀ قربی، محمدجواد (۱۳۸۹). حجاب در ادیان الهی. مجموعه مقالات حسن برتر، بابل‌سر: انتشارات دانشگاه مازندران.

◀ قیدرلو، کمیل، هاشمیان، محمدحسین، و کرم‌الهی، نعمت‌الله (۱۳۹۶). طراحی الگوی سیاست‌گذاری به‌منظور مناسب‌سازی پوشش اجتماعی بانوان متردد در محیط‌های عمومی. دین و سیاست فرهنگی، ۴ (۸).

◀ محمدی، زهرا، معینی‌فر، محمد، رجبی، حسین و رضا اسفندیاری (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی انواع و آثار اجتماعی پوشش بانوان از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی. پژوهش‌های نامه مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، ۲(۴).

◀ واتسون، هلن (۱۳۸۲). زنان و حجاب. ترجمه مرتضی بحرانی، فصلنامه کتاب زنان، ۵(۲۰).  
◀ جوادی یگانه، محمدرضا، و کشفی، سید علی (۱۳۸۶). نظام نشانه‌ها در پوشش. مطالعات راهبردی زنان، ۱۰(۳۸).

▶ Ba e hr, P. (2019). The i ma ge of the ve i l i n soc i a l the ory. *Theory and Society*, 48, 535-558.

▶ Bourdieu, P i e r r e (1984). di s t i n c t i o n a s o c i a l c r i t i q u e of the j u d g m e n t of t a s t  
T r a n s: R i c h e r n i c e , H a r v a r d U n i v e r s i t y P r e s s.

▶ Gi d d e n s, A n t h o n y (2006). Soc i o l o g y, t r a n s l a t i o n b y M a n o u c h e r S a b o u r i ,  
T e h r a n , N e y P u b l i s h i n g

▶ Gi d d e n s, A n t h o n y . (2006). The C o n s t i t u t i o n of Soc i e t y: O u t l i n e of the T h e o r y  
of S t r u c t u r a t i o n , P o l i t y P r e s s , C a m b r i d g e (Uk)

▶ M a m n a n, F. (2022). Ve i l a s R e l i g i o u s E x p r e s s i o n: A Soc i o l o g i c a l S t u d y  
of U n i v e r s i t y S t u d e n t s i n B a n g l a d e s h. *Journal of Ecumenical Studies*, 57(2),  
197-219.

▶ P e m p e h, C. (2022). “ H i j a b I s M y I d e n t i t y ” : B e y o n d t h e P o l i t i c s o f t h e Ve i l:  
The A p p r o p i a t i o n s o f t h e Ve i l i n a n I n t e r C i t y M u s l i m A r e a of A c c r a ( G h a n a )  
s i n c e t h e 1980s. *Journal of Africana Religions*, 10(1), 20-46.

▶ S i l v e r s, J. A. (2022). A d o l e s c e n c e a n d s a p i v o t a l p e r i o d f o r e m o t i o n r e g u l a t i o n  
d e v e l o p m e n t. *Current opinion in psychology*, 44, 258-263.

▶ S i s k, L. M. & G e e , D. G. (2022). S t r e s s a n d a d o l e s c e n c e : v u l n e r a b i l i t y a n d  
o p p o r t u n i t y d u r i n g a s e n s i t i v e w i n d o w of d e v e l o p m e n t. *Current Opinion in  
Psychology*, 44, 286-292.

▶ V e b l e n, T u r s i n . (2007). T o n z a ’ s C l a s s r o o m T h e o r y. T r a n s l a t i o n of F a t h a n g  
E r s h a d. T e h r a n: S e c o n d E d i t i o n , N e y.